

مجله جاوید

ناشران پیشه‌های دموکراتیک نوین

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
دکتر رحیم (محمودی)
آدرس حصه اول
جاده میوندتوسل
مهمان و رکشاب

ما کاملاً نمی‌توانیم از تمام موانع و دشواری‌ها بگذریم زیرا ما شکست ناپذیر خواهیم بود بشرط آنکه شایسته باشیم ایدئولوژی مترقی و پیش‌رو را فراگیریم، بشرط آنکه به توده‌ها ایمان داشته باشیم، با توده‌ها یکی شویم و آن‌ها را به پیش‌پیش‌هدایت نماییم.

د جرییدی نشراتی مرام

ددی دردناکه د اقمیت ددرک او تعلیل به اساس، افغانستان نن دنری د ویرو بیرته پاته هیوادونو به لوی کی ههای لری او زسور د خلکو نارده ژوند او دنجونه د موجوده اقتصاد- اجتماعی سیستم او نظام نتیجه ده داجریده ددی نارده ژوند او د هیواد د بیرته پاته کییدو د اصلی علتونو دافشا او د مظلومو خلکو د فکری سوچی د لورده تیا به مقصد ترخرجه زموږ مظلوم خلک په خپله ددی غیر انسانی ژوند اصلی علتونه ددرک او خپل د نجات لاره غوره کی، به خپریدو بیل کوی.

دعالی ژوند وخواهه روپانه کی ادم دتولو مترقیو ایدئولوژیکی انجرفا نوسره به ملی او بین المللی سوچی سره مبارزه وکوی.

د افغانستان د مختلفو ملیتونو د یووالی په ساحه کی: جرییده دتولو ملیتونو او اقلیتونو دواقمی یووالی او مساواته څخه د اقتصادی-سیاسی اجتماعی او فزیکتی له نقطه نظره به نینگه سره طرفداری کوی، او دهر رنگه امتیاز او لوروتوب څخه چه یوه له پرله له بانندی تجدیلوی کرکه کوی او نوموړی امتیازات محکوم کوی.

د پښتونستان په مسئله کی: ددی جرییدی کون لاره د پښتونستان په مسئله کی بر دی اصل بایدی نکیه لری چه هغه حا کمه طبقه چه خپل خلک تر بند لاندی راوستلی دی، هیشکله نسی کولای (به دد مخ)

د اقمی پښتونستان گفته - اکر که له ما څخه پشننه و شسی، چه د پښتونستان د غلامی اساس علت څه کی، او به هم دغه وده ووايم چه د افغانستان بسمانه کی زموږی د غلامی اساس ټکی دی.

این جرییده از مبارزات آزادای بخش ملی ملل تحت فشار پشتمانی نموده و در افشامه دسایسی که این جنبش مبارا خطری برای صلح میداند و فزونی در واقع میان جنگ عادلانه و غیر عادلانه قائل نمی شود رسمی بعمل خواهد آورد.

د ارز میینه اقتصاد کی نشرات این جرییده متکی بر این اصل است - برای دولت های که اذالیت

شا زده سال پیش جرییده ملی ند اخلق بدسنور طبقه حا کمه مر تجع توقیف شد بد نبال آن اختناق سیاسی دامنه داری بر تمام جوانب زندگی ملت افغانستان استیلا یافت، تا آنکه طبقه حاکم بر ضروریات عصر حاضر جهت دفاع از منافع خویش ناگزیر از آن شد جا هه ریابیر نموده، نصاب حقه به چهره زده عطای به اصطلاح دموکراسی را به پیش کشد مؤسس فقید ند اخلق (دکتر محمودی) در همان دوران اختناق پدرود حیات گفت اینجانب خواست کار مؤسس فقید ند اخلق را با بر لاند کشیدن دی باره جرییده من کور د نبال کند، روی این ملجوظا د و سال پیش در خواستی بوزارت اطلاعات و کلتور تقدیم نمودم ولی وزارت موصوف بدون اراده لایل قانونی این درخواست را رد کرد. بار دگر در خواست اخذ امتیاز جرییده بنام (دندان) بد مدیریت مسئول دکتر هادی محمودی تقدیم داشتم به این درخواست اصلا وقعی گذاشته نشد با لآخره برای سومین بار در خواست جرییده بنام شعله جاوید داده شد مقامات مسئول بدون پیش کشیدن دلیل قانونی یا شرط تفویض مدیر مسئول جرییده را بمن سپردند. (دکتر رحیم محمودی)

مرام نشراتی جرییده

بادرک این واقعت دردناک افغانستان امری در وصف عقب مانده ترین ممالک جهان قرار داشته و تمام بدبختی های مردم افغانستان از سیستم اقتصادی - اجتماعی کنونیست این جرییده برای افشا بی همه جانبه و عمیق تمام این نابسامانی ها و بیسما نی ها و گام ساختن توده ستمکش خود بملل و موجبات آن ها و بی بردن ایشان برده های قاطع و بی گیر نجات خویش شروع به نشرات می نماید بر اساس اندیشه نوین عصر ما برای ایجاد هر گونه دگر گونی عمیق اجتماعی و سیاسی پیش از همه لازم تر آنست تا ز همت عامه را مساعد ساخت یعنی در زمینه ایدئولوژی یکپارده ساخت بنا بر این شیوه نشرات مسا توده های افغانیستان به ایدئولوژی مترقی و پیشرو یو ده و معمم است تا این ایدئولوژی را چنان با خصوصیات ملی خویش در

آمیزد که شکل مبین ملی را بخود گرفته برای توده ها قابل فهم بوده و راه نجات شان را برای رسیدن بیک آدمان عالی هموار سازد، و با هر گونه انحرافات ایدئولوژی مترقی چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس بین المللی مبارزه خواهد کرد.

در قسمت يك پارچگی ملیت های مختلف افغانیستان این جرییده طرفدار تساوی و اقمی اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی و فرهنگی تمام ملیت ها و اقلیت هاست، این جرییده هر گونه امتیاز و تفوق طلبی یکی از ملیت ها را بر دیگران به شدت ترین وجهی محکوم می سازد.

در باره مسئله پښتونستان روش این جرییده مبتنی بر این اصل است طبقه حا کمه که مردم خود را در بند کشیده است هرگز نخواهد توانست ملت دیگری را از بند ها سازد چنانچه يك مبارز

انجیر محمد عثمان

تحلیلی از وضع کنونی مناسبات

طبقاتی جامعه ما

تفکر علمی مترقی میخواهد تا برای بررسی هر پدیده، از تضادیف ذهنی، بلکه باید از تحلیل عینی و مشخص واقعیت های موجود آغاز نمود. در بررسی اجتماعی، اول از همه درک نوعیت شیوه تولید ضرورت است. شیوه تولید فعلی در مملکت ما بطور اساسی، شیوه ملاکی است.

زمین بزرگترین وسیله تولید، دهقان عمده ترین طبقه مؤلف و زمیندار بارز ترین طبقه استثمار گراست. در عین حال تجارت نیز در شیوه تولید کنونی نقش مهمی دارد، و سرمایه تجارتی بعد از زمین عامل مهمی دیگری در مناسبات تولیدی ما بشمار میرود. بر اساس درک این واقعیت مناسبات طبقات اجتماعی خویش را چنین خواهیم یافت:

چون شیوه اصلی تولید ملاکی است، بنسب این طبقه ملاک عمده ترین نقش اقتصادی و سیاسی را در حیات اجتماعی بازی میکنند ولی افراد این طبقه موفق هم گونی ندارند و نمیتوان آن ها را بسد و دسته تقسیم نمود. ملاکین که ملکیت آن ها بر زمین از راه نفوذ دولتی تأمین میشود (ناپا) ملاکین که درآمد دولتی سهم مستقیم ندارند دسته اول از نگاه خاصیت طبقاتی خود به طبقه تاجر بود و کرات پیوند نزدیکی داشته و در حقیقت حلقه اتصال اجتماعی و سیاسی سیستم استعماری جهانی (از هر طرف که باشد) با طبقه ملاکین محلی را تشکیل میدهد دسته دوم تکیه گاه اجتماعی و اقتصادی دسته اول در کشور میسازد. دسته اول را ملاک بزرگ تاجر و کرات دوم را ملاک غیر بزرگ تاجر میتوان نامید.

سر ما به بزرگ تاجر است. افغانان نظر بفشار سیستم امپریالیستی جهانی و منافع ملاک داخلی نمیتواند در رشته های صنعتی مستقلا نه سهمین شود، بناه ناگزیر در راه تجارت خارجی سوق مینماید از اینجا است که طبقه تاجران (کمپرا دور) بسو خود آمده است. نمایندگان سیاسی این طبقه را میتوان تاجر بزرگ تاجر نامید که در ترکیب سازمان دولتی موقعیت حساسی را صاحب است و نقطه اتصال منافع و بیزنس طبقاتی این طبقه با ملاک بزرگ تاجر است. اقتصاد

در میان مولدین اصلی (کارگران و دهقانان) و دو طبقه بهره کش عمده فوق العاده کسر طبقه کثیرالعمده قرار دارد که دارای خاصیت دو جانبه ستگری و ستبکنی بوده و بسبب های مختلف اقتصادی زیست مینمایند. به عبارت دیگر این طبقه را میتوان طبقه متوسط نامید. آن ها بزرگ تاجر در عالی ترین قشر این طبقه قرار دارند. از نگاه اقتصادی میتوان تاجر ملی خواند و باین ترین قشر آن از نگاه اجتماعی بامولدین اصلی در یک صنف قرار میگردد. مامورین با بیان رتبه دولت تاجران کوچک در دستفکران، زمینداران متوسط و اخل کبیه درین طبقه جای دارند. این طبقه هم از نگاه عمده و هم از نظر خصویات اقتصادی و فکری در زمینه جنبش های عمیق اجتماعی شایان توجه است. به استثنای قشر فوقانی آن، این طبقه از دوستان خلق بشمار می آید. قشر فوقانی این طبقه موقف منزلت سیاسی داشته و در بعضی اوقات و در تاجران و شریط مشخص و نادرجه معینی میتوانند در صنف خلق قرار گیرند.

گر داننده پترخ های تولید لسمات مادی جامعه طبقات مولد کشور است که

(دومین بخش بانوی)

در جریدی نشراتی ...

چه بوبل ملت دیند او اسارت خسته آزادی کسری، خمرنگه چه یسو پینتو استانی، دینتی مبارز به دی حصه کی وای «اگر که له ما خسته پوینتو وش، چه دینتو استان دغلامی اساسی علت شه گوی ووبه مدغه ورت و وایم چه دافغانستان بسمانه گوی زمون دغلامی اساسی تکی دی»

دا جریده دهغو خلکو د ملی جنبشو نو او آزادی غوینتونکو مبارز اتسو خسته چه تر فشار لاندی دی ملاتپ کوی. او دهغو دسیسو به افشا او خرگندو او کی چه د آزادی فوینتونکو جنبشونه او مبارز دی صلحی دباره مضر او خطر نا که گوی او به حقیقت کی د عادلانه او غیر عادلانه جنگونو داساسی فرق او اختلافه خسته ستر گوی غوی به خسته وکی.

به اقتصاد دی چاروکی: ددی جریدی نشرات به اقتصادی چاروکی ددی اصله خسته عبارت دی چه: دهغو دولتونو دباره چه برنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان تقسیم میشو ند. رنجبران که عمده آنها قلیل و صاحب عیچکو نه و وسیله تولید نیستند و شهرها عموماً در صنایع نیمه استعماری و در مردمان و در دهات در خدمت ملاکین و اعضای طبقه متوسط، قرار دارند.

نیمه رنجبران چه در شهر چه در ده، با اینکه صاحب و سا بل تولید ابتدایی و مختصری اند زندگی محنت بار خود را تنها از راه کارشرا فتمندانه و تولیدی تأمین مینمایند این طبقه قیودی نسبتاً زیادی جمعیت ما را در برمی گیرد سومین و کثیرالعمده ترین طبقه مولد جامعه را دهقانان تشکیل میدهند. از آنجا که شیوه اصلی تولید ملاکی است، در حقیقت نیروی عمده تولید و مولد اصلی ثروت کشور این طبقه میباشد. با به اقتصادی و اجتماعی بهره کشی تمام طبقات استثمارگر بردوش توانای دهقانان قرار گرفته و جرخ زندگی جامعه با مردود خورش بر محنت و ادبار آن ها می افزاید. در آخر بن تحلیل سنگینی بار هر گونه مالیات مستقیم و غیر مستقیم بردوش این طبقه تحمیل می شود در هر گونی

دیو منقووازه او استماری کسری، اقلیته خسته نمایندگان کسری، دداسی اصلاحات و منافع نه در اول چه د محکوم، مظلوم او عامر شلکود قناعت و روی کاملاً امکان له نقطه نظره خسته لیری دی او هم داجریده در هغه فکری او ذهنی جریان به خلاف چه و فواری دافغانستان اقتصاد دنیسه استعماری لاری ته در کس کوی مبارزه به وکی، ترخوچه به دغه وسیله سره و کولای شی دستقل ملی اقتصاد د حقیقی و شد او لودتیا لاده اسانه او عموده کوی. دفرهنگ به برخه کوی: دجریدی نشرات دفرهنگ به برخه کوی د فتودل او ملاک د ناووه فرهنگ سره او هم د فساد و استعماری فرهنگ د تاثیر او د دوی دنور ویرانو برضد مبارزه ده، او کویین کوی چه د خپلو ستکیو خلکو فرهنگ میراث دی عصر د نوی فرهنگ به رها کوی بیاهم به خلاقانه توگه سره دیند اولایی نواع فایده مند کوی. وضع اقتصادی و اجتماعی فعلی، این طبقه نیروی عمده را تشکیل میدهد. هر جریانی که خواهان نوسازی جامعه ما بر اساس تفکر علمی مترقی است ناگزیر بایستی اهمیت طبقه دهقان را در شیوه های رسیدن به هدف نامبرده بطور جدی در نظر گیرد. از حقایق فوق چنین نتیجه بدست می آید که جهت تأمین دموکراسی واقعی بر اساس اندیشه های پیشرو عصر زوال امپریالیزم، جریانی که خواهان خدمت بخلق است باید بر رنجبران بشمار به پیش آهنگ، نیمه رنجبران و دهقانان بشمار به نیروی عمده و متحد نزدیک رنجبران و این طبقه متوسط بخشزنده و دست مطمئن رنجبران متکی بوده و در شرايط مشخص بتواند قشر فوقانی طبقه متوسط را در تحت رهبری خویش گرد آورد، تا بر دشمنان خلق پیروز شود.

دکتر مهدی محمودی

عصر زوال امپریالیزم

سر تاسر جهان غرب، عظیم ترین بحران مالی و اقتصادی در تاریخ خودی را سر میگذراند پس از آنکه در حدود ۱۰۰ سال ۲۶ ارز بودند سترلینگ با یان آمد، خرید طلا در بازارهای بزرگ غربی چون لندن، نیویورک و ریخ و پاریس، سیل آسایریان افندی. «نیوزویک» در شماره ۱۸۰ مارچ ۱۹۶۸ خود نوشت: پس از پایان آمدن ارزش پول، فروش طلا از طرف بانک های مرکزی غربی از روز ۲ تا ۵ تن بر وزانه ۱۰۰ تن افزایش یافت. «نیویز» در شماره ۲۲ مارچ ۱۹۶۸ خود خبر داد، فروش طلا در یک روز به ۲۰۰ تن یعنی معادل ۲۲۰ میلیون دلار رسیده، که این رقم بزرگترین مقدار فروش روزانه طلا در تاریخ است. قیمت فی اونس طلا در بازار پاریس به ۳۶ ۳۴ دلار رسید، بقول «کونومیسٹ» تنها در ماه نوامبر و دسامبر سال ۱۹۶۷ تقریباً ۱۳۵ میلیون دلار شمش طلا فروخته شده است. «نیوزویک» در همان شماره مینویسد سرمایه گذاران، اقتصاد دانان و بازرگانان پنجو روز افزونی احساس می کنند که کشور در جنگال آتمین بحران جهان گیر افتاده که جلوگیری از آن دیگر مقدور نیست.

این تشنگی بیچاره از برای چیست؟ چرا غربی که شگمان گمان می بردند در دریای از نعمت و ثروت شناور است، این همه در تلاش بکف آوردن زر از خود ببقارای نشان میدهد؟

جهت شناسائی موجبات و چگونگی این بحران با بست بنگذشته برگردیم.

جنگ جهانی دوم در تناسب قوای دول امپریالیستی تغییر کلی داد و رشد ناموزون اقتصادی آن ها را با زهم ناموزون تر ساخت. همه دول امپریالیستی، چه آن ها میکه در جنگ پیروز شده بودند مانند انگلستان، فرانسه و غیره و چه آن ها میکه شکست خورده بودند چون آلمان، ایتالیا و جاپان در اثر برانی های جنگ (به نسبت های مختلف) اقتصاد و رشکسته ای را میراث بردند. برعکس ایالات متحده آمریکا که جنگ خود چشمه ای غروشان ثروت برای وی بشمار می آمد (زیرا از یکطرف جنگ باعث بچگونگی ویرانی در ایالات متحده آمریکا نشد، و از سوی دیگر اقتصادات ایالات متحده از راه فروش اسلحه

۶۰۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۷ افزایش یافت در حالیکه بیلاتس تادیات امپریالیزم امریکا در سال های نخستین پس از جنگ دارای مقدار زیاد مازاد بود فزونی دائمی صادرات نسبت به واردات به افزایش ذخیره طلای امپریالیزم امریکا انجامید زیرا ناتوانی پول های سایر کشورهای امپریالیستی و احتیاج شدید آن ها به سرمایه گذاری داخلی و ترمیم اقتصادی ایشانرا واداشت تا در بدل واردات کالای امریکایی طلا بپردازند، ذخیره طلای امریکا که در سال ۱۹۴۵ بیش از ۲۰ بلیون دلار بود، در سال ۱۹۴۹ به بیش از ۷۴ بلیون دلار بالغ گردید. برعکس در همین مدت ذخایر طلای فرانسه ۱۴۵۲ میلیون دلار و ذخایر طلای سوئد ۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. این امر موجب شد که سایر دول غربی امپریالیستی، ناگزیر دست به کاهش ارز پول زدند، چنانچه از (بقیه درس ۴)

کشورهای امپریالیستی بساختر آغاز نمود، چنانچه تنها در سال ۱۹۴۵ مقدار ۳۷۵۰ میلیون دلار به بریتانیا واداد. بدین ترتیب اقتصادات عظیم ایالات متحده و درآمدی کمی در سراسر جهان امپریالیستی باختر در رشته های مختلف مالی و صنعتی شبکه وسیعی از موسسات را یادار اختیار کامل و یادارت تحت نظارت خویش گرفت که بود شده ضروریات نخستین زندگی و مواد خام که درول امپریالیستی اروپای باختری در اثر جنگ بدان گرفتار بودند به امپریالیزم امریکا فرصت داد تا بازرگانی ایشانرا در مجاری سودمند برای خویش هدایت نماید در اثر ورود سیل اسای سرمایه و کالای امریکایی و خنج مسالسی کشورهای اروپای باختری بدتر میشد، کسر تادیات انگلیس از ۲۷۰ میلیون پوند در سال ۱۹۴۶ به

و مهمات جنگی و آذوقه و خود ابار به سایر دول امپریالیستی منافع جنگی بچنگ آورد، با قدرت اقتصادی و نظامی فوق العاده عظیمی سر بر کشید. آنگاه ایالات متحده مدت گماشت تا بهره برداری کاملی از این موقعیت نایاب خویش بعمل آورد. از یکسو وی کوشید تا از ناتوانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی استفاده نمود، بازارهای مستمرات و حوزه های نفوذ ایشانرا در مناطق وسیع آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین تصاحب کند و از سوی دیگر به خود کشور های امپریالیستی دیگر به وسوسه و سرمایه برداشته ورشد و احیای اقتصاد آن ها را در زیر نظارت و کنترل خویش داشته باشد. یعنی ببقارت دیگر ایالات متحده کوشید سر تاسر جهان سرمایه داری را، چه کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و چه سایر کشورهای امپریالیستی را در تحت نفوذ، نظارت و کنترل اقتصادی و سیاسی خود قرار دهد برای این منظور در آخرین سال جنگ در (بریتن و دودز) ایالات متحده، کنفرانس بشول چهل و چهار کشور، جهت تنظیم مجدد امور مالی و تجارتی تشکیل گردید، که «سندوق وجهی بین المللی» و «بانک بین المللی جهت احیاء و تکامل» را بنیان گذاشت. بقرارد موافقت نامه «سندوق وجهی بین المللی» از میان تمام جریان های پولی، تنها ارزش معادل دلار باطلا بصورت مستقیم زمین شده و معادل طلای سایر جریان های پولی بصورت غیر مستقیم از راه نسبت مبادله آن ها با دلار تعیین میگردد. ارزش معادل دلار باطلا فی اونس ۳۵ دلار معقور گردید. ایالات متحده از آن جهت این امتیاز را گما می نمود که از یکسو در آن هنگام دارای نیرومند ترین ضایع و کشاورزی جهان امپریالیستی تا از سوی دیگر صاحب بزرگترین ذخیره طلا در جهان غرب بود. بیش از ۲۰ بلیون دلار به نسیان دلار خود نقش طلا را برای سایر کشورها در حین و آن مامی توانستند ذخایر بیشتر از خود را بصورت دلار نگاه دارند پس از تثبیت نقش حاکم دلار در جهان مالی سرمایه داری، امپریالیزم امریکا به وسوسه سایر

آئین نوین

جنبشی ای تازه نسل نو جوان شوشی ای مردمان باستان کردشی ای مجور چرخ زمان ارزشی ای موج خلق بیکران تا بشی ای شعله های جفا و دان تا بسوزی قصر و باام خسانان پر تو افشانی نما چون آفتاب یاره کن از چهره خائبن نقاب سرنگون کن باره افراسیاب تند شو ای برق های باشتاب تا بشی ای شعله های جفا و دان تا بسوزی قصر و باام خسانان آتشی از کوره های کارگر فرشی از داس و بیل بزرگر ز برو دوکن کاخ استشمارگر مجور کن بنیاد استعمار و شر تا بشی ای شعله های جفا و دان تا بسوزی قصر و باام خائنان کن علم از مجمر خود نورها شو ضیا و رهبر مزدورها اشکرا فکن بر سر مفرورها سوز دست و فرق این سرزرها تا بشی ای شعله های جفا و دان تا بسوزی قصر و باام خائنان طرح آئین نوین اینجا دکن آتشی در خسانه بیدادکن این وطن را از محن آزاد کن با رحمت رسم نو را شاد کن تا بشی ای شعله های جفا و دان تا بسوزی قصر و باام خائنان در اکثر رحیم (محمودی)

۱۹۴۵ تا ۱۹۵۸ از فرانک فرانسه پنج بار در دسامبر ۱۹۴۹ یوتد ستر لنگیک فیصد ۳۰/۰ کاهش ارز یافت و به تعقیب آن ۳۵ کاهش دیگر سرمایه داری نیز ارز پول های خود را پایان آوردند کاهش ارز برای ایتمده کشور های امپریالیستی دو نتیجه بار آورد ، از یک سو شرایط زندگی را در داخل کشور برای زمینکشان و مردم سخت تر و ناگوارتر ساخت و از سوی دیگر نرخ مواد صادراتی آن ها را تقلیل داده و پسدین ترتیب بر میزان صادرات شان افزوده و در نتیجه تجسارت بین المللی قدرت رقابت آن ها در برابر امپریالیزم امریکایی بالا رفت .

بدینسان به تدریج سراز سال ۱۹۵۰ بیلائس تادیات امپریالیزم امریکایی آغاز به نقصان نمود و با به پای آن جهت جریان طلا تغییر خودده و شروع به بیرون رفتن از ایالات متحده نمود ، بدینسان در بسیاری از کشورها زمینکشان امپریالیستی ، یعنی در بسیاری اقتصادهای دنیا و تجسارتی میان امپریالیزم امریکایی که میخواست سایر دول امپریالیستی را تحت نظارت و کنترل خود داشته باشد - و سایر دول امپریالیستی که میخواستند خود را از زیر نفوذ و کنترل امپریالیزم امریکایی بیرون آورند ، نخستین عملایسم برگشت بضر امریکایی نمودار شد .

از جانه دیگر ، پس از جنگ جهانی دوم ، امپریالیزم امریکایی در نواحی وسیع آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بسودر سر ما به گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی خویش با کوشش هر چه تمامتر آغاز نهاد . ناتوانی اقتصادی و نظامی سایر دول امپریالیستی شرایط بسیار مناسبی برای امپریالیزم امریکایی ایجاد نمود ، تا آنکه بتواند با آسودگی خاطر ، بجای امپریالیست های انگلیسی ، فرانسی و فاشیست های جاپانی و آلمانی و ایتالیایی در این نواحی به استعمار و بهره کشی خویش دست زند . آسیا افریقا و امریکای لاتین منابع سرشار مواد خام و صاحب کان های گران بها و غنی بود و بازار فوق العاده وسیعی برای خرید کالای صنعتی و حتی کشاورزی دول امپریالیستی بشمار می آید . در اندک مدتی سرمایه امریکایی در سرتاسر این منطقه وسیع نفوذ کرد بطور مثال ۹۰/۰ استخراج مس ۱۹۵۰/۰ استخراج سرب

(بقیه از من ۳)

عصر زوال ...

۹۸/۰ استخراج جست ۲۰/۰ استخراج نقره ۱۵۰/۰ استخراج نفت امریکای لاتین در اقتصاد ایالات متحده میباشد امپریالیزم امریکایی نصف صادرات و کمی بیش از نصف واردات امریکای لاتین را در اقتصاد خود دارد به سهم متوسط صادرات سالیانه امریکایی به امریکای لاتین ۲۰/۰ کل صادرات امریکایی را تشکیل میدهد و سودی که امپریالیزم امریکایی از کشورهای امریکایی لاتین بدست می آورد ، یک چهارم کل سود سرمایه گذاری های خارجی امریکایی را در بر میگیرد . بدینسان دایر و غله جنوب شرق آسیا ، نفت سرشار خاورمیانه ، یورانیوم و طلا افریقا ، قهوه ، شکر و نفت امریکای لاتین همه آغشته به خون و عرق چین مردمان ستمکش این سه قاره ، که اکثریت

دانی که بود سپید و هم نیک عمل نزد رفقا
یا کیمت سیاه روی در انتظار ملل
از حب طلا
آن کاریگری که می خورد نان جوین
از زحمت دست
یا محشمی که می خورد شیر و عمل
بی محنت پا
گردد آلوده م

مطلق نفوس جهان را تشکیل می دهند) تبدیل به جویبار های سرشار زر گردید ، که از چاروسو بدون توقف ، بسوی هدف واحد در آنودا و قباوس اتلس - بسوی نیویورک بجریان افتاد . با بیای این جریان ، خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین که جنگ جهانی دوم حلقه اسارت استعمارگران کهن - انگلیس ، فرانسه ، جاپان و غیره - را متزلزل ساخته بود ، در جستجوی آزادی ملی سیاسی و اقتصادی در نبرد روز افزونی بر علیه تمام اشکال استعمار ، کهنه و چه نو ، قدم بقدم پهلوشانفتند . جنبش کبیر دموکراتیک ملی در آسیا ، افریقا و امریکای لاتین در روز نبردمند تر گردید و نمرات درخشانی بیاد آورد ، در برخی نقاط زنجیر امپریالیزم بکلی گسسته شد و در برخی جاهای دیگر سدمات شدیدی برداشت . از سوی دیگر ، جناحی قبلاً ذکر آن رفت از شروع دهه پنجاه - سایر دول

امپریالیزم می گوید از نیمه دوم سال سالی پنجاه اینسو ایندیگر جنبش دموکراتیک ملی آسیا افریقا و امریکای لاتین است که سبب پیشرفت جهان را نشان میدهد نه انحصارات عمال مایشتا پیشین غرب امپریالیست دوز بر شروبات در هم کوبنده این جنبش ، تضاد میان دول امپریالیستی با هم شدت بیشتری یافت مصارف جنگی هر روز بیشتر از روز پیش فزونی گرفته و وضع مالی و اقتصادی دول امپریالیستی با هم بیشتر رو به وخامت می رفته است شاهد آنکه مصارف جنگی امریکای از ۵۱/۱ هزار میلیون دلار در سال 1961-62 از ۷۱/۲ هزار میلیون دلار در سال ۱۹۶۶-۶۷ و مصارف جنگی انگلس از ۴۸۵۲ ، هزار میلیون یوتد در سال ۱۹۴۸ تا ۴۹۹۲ هزار از ۶۷ میلیون یوتد در سال ۱۹۶۶ - ۶۷ رسید سایر دول امپریالیستی نیز در همین راه روان اند .

بنابراین جنبش بر توان دموکراتیک ملی آسیا ، افریقا ، و امریکای لاتین که هر روز دامنه آن گسترش بیشتری یافته و کشور های آسیایی ، افریقایی ، و امریکایی لاتین را از زیر سلطه اقتصادی سیاسی و نظامی دول امپریالیستی بیرون کشیده و بدین طریق با زار فروش و مناطق نفوذ و سدوسر ما به امپریالیستی را تنگتر و فشرده تر میسازد از یکسو و احیای مجدد اقتصادی دول امپریالیستی شامل در جنگ و رقابت روز افزون و تشدید تضادهای آشتی ناپذیر ایشان با امپریالیزم ایالات متحده از سوی دیگر و بالاخره مصارف سرسام آذر نظامی میلنا بزه شدن تمامی سیستم جهانی امپریالیستی و مخصوصاً امپریالیزم امریکایی موجب شد تا نقصان افزایش روز افزونی با بد بیلائس تادیات ایالات متحده که در سال های ۱۹۵۲ - ۵۷ در حدود ۲۰۰ هزار یلیون دلار بوده در سال ۱۹۶۷ به ۳۰۰ یلیون دلار رسید مصارف جنگ غارتگرانه امریکایی در دو بنام که هر سال با سرعت بیشتری بالامی رود . (نا تمام)

حساب در بیستنی تجار آتی
با انگیک (۷۲۷۴)
حق الا شتر اک
مرکز
ولایات و پشتونستان ۳۴۰
خارج ۱۰ دلار
هر چهارشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره دو افغانی
دولتی مطبعه